payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۶۱۱
دوشنبه ۲۹/ اردیبهشت/ ۱۳۹۹
۲۴/ رمضان/ ۱۴۴۱
18 / May/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کریمخان زند، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۵۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید
۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

خبر

افزایش ۲۰درصدی یارانه کتابفروشی‌های عضو "بهارانه کتاب"

اعتبار کتابفروشی‌های عضو طرح "بهارانه کتاب۹۹" در سراسر کشور ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد.

به گزارش پیام آشنا، طرح "بهارانه کتاب۹۹" از بیستم اردیبهشت ماه با یارانه ۲ میلیارد تومانی آغاز به کار کرده است و خریداران کتاب، تا ۳۰ اردیبهشت‌ماه فرصت دارند با مراجعه به کتابفروشی‌های عضو این طرح تا سقف ۱۵۰ هزار تومان با یارانه ۲۰ درصد کتاب خریداری کنند. با توجه به گزارش‌های ارائه شده از سوی موسسه خانه کتاب، به عنوان مجری طرح از میزان استقبال مخاطبان و مطالبات کتابفروشان و همچنین نظر به دغدغه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص سیاست‌های حمایت از کتاب‌فروشان و چرخه نشر با محرانی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعتبار کتابفروشی‌های عضو در طرح "بهارانه کتاب۹۹" در سراسر کشور ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

لازم به ذکر است با باقی ماندن چهار روز از اجرای طرح "بهارانه کتاب۹۹" هزار ۱۲۱ نسخه کتاب به مبلغ ۷۰ میلیارد و ۹۰۵ میلیون و یک هزار و ۴۵۹ ریال در ۶۶۲ کتابفروشی به فروش رفته است.

یادداشت

جعلیاتی به نام فردوسی

در فضای مجازی بیت‌هایی به نام فردوسی نسبت داده می‌شوند که نه در شاهنامه جایی دارند و نه نسبتی با قلم این شاعر.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، پیدا کردن شعرهای جعلی اصلاً کار دشواری نیست و گاه حتی از شعرهای حقیقی در دسترس‌تر هستند؛ این شعرهای جعلی تنها حامل نام یک شاعر مشهور هستند تا در معرض نمایش و بازنشر قرار بگیرند و گاهی آن‌قدر در فضای مجازی حل می‌شوند که یا به دنیای واقعی می‌گذارند و در رسانه‌ها و برخی کتاب‌های نامعتبر منتشر می‌شوند.

فردوسی هم از دیگر شاعرانی است که در سال‌های اخیر نامش پای شعرهای جعلی قرار می‌گیرد تا شاید اسباب شهرت را برای شاعرنماها فراهم کند و یا کسانی بخواهند حرف‌های خودشان را در دهان فردوسی بگذارند.

اما شاهنامه فردوسی، زبان فرهنگ ایران و پیشانی زبان فارسی است و شعرهای جعلی منسوب به او ممکن است به اشتباه به دست علاقه‌مندان زبان فارسی در جهان برسد و آن‌ها به خیال خوانندن ذهن و زبان فردوسی، چیزی دور از شاهنامه را بخوانند. از همین روی این روزها شاید زدودن شعر فارسی از غبار جعلیات کاری مهم است.

در این جا نگاهی داریم به شعرهای جعلی‌ای که به نام ابوالقاسم فردوسی نسبت داده شده‌اند که البته پس از تشخیص هویت جعلی‌شان یا صاحبی پیدا نکرده‌اند یا کسانی که هویت جعلی این‌ها را آشکار کرده‌اند ترجیح می‌دهند برای جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی که برای ایجاد شهرت انجام می‌شود، نام این افراد را منتشر نکنند.

«هر آن کس که او شاد شد از خرد/جهان را به کردار بد نسپرد

رهاند خرد مرد را از بلا/ مبادا کسی در بلا مبتلا»

«یک مشت گدای عرب از راه رسیدند/ در میهن جانانه‌ی ما خانه گزیدند»

«در این خاک زر خیز ایران زمین/ نبودند جز مردمی پاکدین
همه دین‌شان مردی و داد بود/ وز آن، کشور آزاد و آباد بود»

«ز گیتی دو کس را سپاس/ یکی حق‌شناس و یکی حد شناس»

«یکی ایلهی شیر چراغی بجست/ که بی او نشد عقد پروین درست»

«توای دادگستر جهان آفرین/ ارزانده آسمان و زمین
فروزان بما فر شاهنشهی/ بما باز گردان کلاه مهی»

از تمام خوانندگان پیام آشنا می‌خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

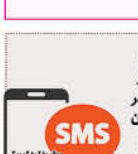

دیدگاه

نگاهی به کتاب «زبان قرآن، تفسیر قرآن»

«زبان قرآن تفسیر قرآن» به سه بخش تقسیم شده است:

در بخش نخست به مطالعات تفسیری پرداخته شده

در این بخش هفت مقاله آمده است:

۱- بلاغت عربی و تفسیر قرآن با نگاهی به صنعت لف و نشر (جمال وزیرو John Edward Wansbrough)، وزیرو نوشته شدن قرآن را حاصل یک فرآیند تاریخی می‌داند که در سه قرن نخستین هجری شکل گرفته است. از او مقالات بیشتری در کتاب آورده شده است. این مقاله به بررسی صنعت لف و نشر در قرآن می‌پردازد و خاستگاه های آن را می کاود. کریمی نیا به دلیل مشکل بودن خوانش این مقاله توضیحات مفیدی را بر آن اضافه کرده است.

۲- داستان ابولهب و غزال کعبه، نگاهی به تفسیر سوره مسد (اُری زیبن Uri Rubin) در این مقاله تفسیر جدیدی بر پایه یک روایت دوره جاهلی در باب آیه‌ی «تبت یدا ابی لهب و تب» ارایه شده است که در تفاسیر اسلامی بی‌سابقه است. نکته قابل توجه در این مقاله علاوه بر این تفسیر جدید، علت راه نیافتن این تفسیر به متون اسلامی است که می تواند الگویی تاریخی باشد. برای بسیاری از مسائل دیگری که به دلیل های ایدئولوژیکی وارد متون نمی‌شده است. اندرو روبین اضافه می کند که قدیمی‌ترین خاستگاه های دینی برای «حست کم» برخی قنرات قرآن، در واقع ریشه در مکه «یوران جاهلی دارد و نه هیچ جای دیگر.

۳- اقرابسم ربک... نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره ی علق (اری رابین) گویا آنچه از این آیه در ذهن ما حک شده این طور است: بخوان به نام پروردگارت (و این قرار چند بار تکرار شده) این آیه دست‌آویزی شده برای نشان دادن ارزش علم و خواندن و قلم (شاید در رواج این مسئله دکتر علی شریعتی بیشتر از همه نقش داشته است) برداشت عموم تفاسیر از این آیه آن است که خداوند در آن پیامبر را تشویق و ترغیب به خواندن قرآن کرده است. در این مقاله سعی شده است یکی از تفاسیر قدیمی در این باب که امروزه تقریبا به فراموشی سپرده شده است بازسازی گردد. این تفسیر معنای دیگری به این آیه می دهد که در آن پیامبر را به ستایش نام پروردگار ترغیب می کند نه خواندن قرآن.

۴- رسول بوشلیند: تفسیر کلمات مزمل و مدثر (اری رابین): در اینجا نیز اری رابین با موشکافی دقیق و با تسلط بر منابع، سیر تفسیر این دو کلمه را بازیابی می کند و روایتی قدیمی‌تر را که فروزه و من هویت اسلامی فراموش شده است به عنوان تفسیر این دو کلمه برمی گزیند. به این محتوا که مزمل و مدثر در واقع صفاتی است که پیامبر را بیدار می کند تا از جامه‌های قبلی خود به درآید و سستی نکند و برای ادای وظیفه خود فعال و از جان گذشته عمل کند این نوع تفسیر مبتنی بر این فرض است که پوشیدگی پیامبر حالتی نابجا بوده و وی می بایست از آن حالت به در آید.

۵- تعامل تفسیر و حدیث در تعیین هفت معنای (اری رابین): تفسیر هفت معنایی و تعیین مصداق آن در آیه هشتاد و هفتم سوره حجر هموار مورد بحث مفسران بوده است. رابین در اینجا نیز با تحلیل دیدگاه‌های مختلف در این باب قدیمی ترین تفاسیر را مرور می گزیند که آن هفت در اینجا نماد کثرت است و اشاره به مسئله یا سوره خاصی ندارد.

۶- ابن عباس در تفاسیر دوره عباسیان (هربرت برگ Herbert Berg)، بسیاری از احادیث تفسیری در کتب تفسیر اسلامی از ابن عباس نقل شده است. در این مقاله بلند به خوبی سیر تاریخی نقش ابن عباس در تفاسیر اسلامی بررسی می‌گردد و این مسئله مطرح می‌گردد که بسیاری از احادیث نسبت داده شده به او برساخته دوره عباسیان است که به استفاده از آن به دنبال یافتن وجهه‌های دینی برای خاندان خود بودند. این مقاله از قوی‌ترین مقالات این کتاب است.

۷- تاریخ گذاری تفسیر موسوم به ابن عباس، چند نکته تکمیلی (هارالدموتسکی Harald Motzki)، در این مقاله به بحث و نظر در مورد تاریخ حقیقی و نویسنده کتاب موسوم به تفسیر ابن عباس پرداخته می شود.

بخش دوم: مطالعات قرآنی جان ونزبرو

۱- تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان ونزبرو (اندرو رابین) همان طور که گفته شد ونزبرو با تحلیل ادبی قرآن به این نتیجه می‌رسد که این کتاب حاصل تطوری تاریخی به مدت سه قرن است و نه نوشته شده در صدر اسلام. رابین در این مقاله بلند از کان تحلیلی ونزبرو را به نقد می کشد و روش او را در نقد منابع نیز مورد سؤال می‌برد.

۲- ملاحظاتی بر کتاب مطالعات قرآنی (ویلیام گراهام William Graham)، مطالعات قرآنی نام معروف‌ترین کتاب ونزبروست که عقیده خود را مرباب قرآن در آن مطرح کرده است. در این مقاله نیز نقدی روش‌شناختی بر ونزبرو شده است.

۳- نکاتی روش شناختی درباره فصل چهارم کتاب مطالعات قرآنی (اندرو رابین Andrew Lawrence Rippin) در این مقاله کمتر به نقد ونزبرو پرداخته شده و بیشتر روش او معرفی گشته و محسنات آن نیز بررسی شده است.

۴- جمع و تدوین قرآن: بازنگری دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش شناختی (هارالدموتسکی) مقاله بلند و بسیار مهمی از لحاظ روش‌شناسی تاریخ گذاری اسناد است. موتسکی اقرار می کند که ما نمی‌توانیم اثبات کنیم که گزارش‌های مربوط به تاریخ قرآن به شاهدان عینی وقایع جنان که اظهار شده باز می‌گردد و همچنین نمی‌توانیم مطمئن باشیم که همه چیز واقعا آن گونه که در روایات گزارش شده اتفاق افتاده است. اما او اضافه می کند که باید بپذیریم اخبار و گزارش‌های مسلمانان نسبت به آن زمانی که محققان غربی و خصوصا ونزبرو فرض کرده‌اند بسیار قدیمی‌تر و به زمان وقایع ادعا شده نزدیک‌تر است و روایات مربوط به جمع‌آوری قرآن در زمان خلفا را تا ربع نخست قرن دوم هجری ردیابی می کند.

بخش سوم: زبان قرآن

۱- شتر یا ریسمان، حتی بلح الجمل فی سم الخیاط (اصرف-۲۴) (اندرو رابین) رابین در این مقاله به‌ها با بزبینی‌های مخصوص خود به دنبال یافتن قدیمی‌ترین تفسیرها از این آیه است.

۲- واژگان دخیل و تعیین زبان خارجی آن‌ها در تفسیر قرآن: (اندرو رابین) او با ذکر مثال‌های مختلف این مسئله را تبیین می کند که پذیرش وجود واژه دخیل در متن قرآن، کلیدی برای این معماست که چرا برخی از واژه‌های قرآن معنایی می‌دهند که در غیر آن موضع قرآنی، میان عرب زبانان و یا دیدبان عرب شناخته شده نیست.

۳- مسئله تاثیر زبان‌های آرامی و سریانی در زبان قرآن (مرتضی کریمی‌نیا): این مقاله در واقع بررسی و نقدی است بر کتاب کریستف لوکزنبرگ (Christoph Luxenberg) به نام «قرائت آرامی سریانی قرآن: جستاری در ایضاح زبان قرآن». در این کتاب با تکیه بر مسائل قفقالقله و زبان‌شناسی این مدعا مطرح شده است که قرآن به زبان و لهجه عربی قریش است که در زمانی خاص در مکه می‌زیستند و بسیار متاثر از زبان‌های آرامی به ویژه سریانی مسیحی است. نظریه او با نارسایی‌های زیادی در رسانه‌های غربی داشته است. لوکزنبرگ با توجه به روش خود بسیاری از آیات قرآن را طور دیگری قرائت می کند و معنای آن را جور دیگری در می‌یابد تا بتواند ریشه‌های بیشتری از آیات قرآنی را در زبان سریانی بکاوانا کریمی‌نیا علاوه بر معرفی کامل کتاب و فصول آن نقدهایی کلی به آن وارد می‌کند.

۴- نقدی بر کتاب قرائت آرامی سریانی قرآن (فرانسوا دوبلیا François de Blois): نقدی است بسیار تند بر کتاب لوکزنبرگ که به طور کلی داشتن او را در زمینه زبان‌شناسی زیر سوال می‌برد. باید افزود که نقدهای زیادی توسط غربی‌ها بر این کتاب نگاشته شده است.

۵- اقرقبم: با افزود: یادداشتی درباره آیه نهم سوره کهف (جیمز بلمی James A. Bellamy) بلمی از کسانی است که با روش‌های تحلیل متن از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۲ و در طی مقالات متعدد، تصحیحاتی را در متن رسمی قرآن پیشنهاد داده است. او معتقد است که قرآن به زبان عربی میبین نازل شده و هدف آن مردگرایی با دستپاچگی شنوندگانش نیست بلکه برای روشنی بخشیدن و آگاهی دادن آمده است. بلمی حتی مقاله‌ای دارد و در آن اثبات می کند که حروف مقطعه قرآن یا به تعبیر او The Mysterious Letters of the Koran در واقع کوتاه‌نوشت هایی قدیمی از بسامد و نه حروفی رمزآلود در این مقاله نیز او اشتباهات کاتبان را در آیه نهم سوره کهف -که معنای اقرقبم در آن یکی از موارد اختلاف مفسران است- تحلیل می کند و بیان می کند که صورت اصلی این کلمه باید اقرقود باشد.

۶- نقد نکته پیشنهادی دیگر در متن قرآن (جیمز بلمی): مقاله دیگری است از او که پیشنهادهای بیشتری را برای تصحیح برخی کلمات ارایه می‌دهد. بلمی معتقد است که پیشنهادهای تصحیح متن حتی لامکان باید جوری باشد که در رسم الخط قرآن تغییری ایجاد نکنند.

«زبان قرآن، تفسیر قرآن» می‌تواند دنیای جدیدی را برای کسانی که در حوزه تفسیر قرآن و همچنین قرآن‌پژوهی فعالیت و تحقیق می‌کنند باز کند و آن‌ها را از پژوهش‌های غربیان در این زمینه آگاه سازد.

ایمان تاجی

گزارش

فراز و فرودهای ترجمه شاهنامه به زبان روسی

تام شاهنامه این سند بی زوال هویت ملی ایرانی و گنجینه بی پایان خرد و معنا در روسیه و جهان روس زبان[۱] با تام خانواده لاهوتی گره خورده است. ابوالقاسم لاهوتی شاعر و فعال اجتماعی –سیاسی ایرانی و همسرش بانو لاهوتی شاعر و مترجم، تا مدار او کرایتی تبار با تام اصلی تسیتسیایا یاتلیستیک

تسیتسیایا بتسیووتا یاکلیستیک که بعدها با تام تسیتسیایا بانو شناخته می شد. ۱۲ مارس ۱۹۱۱ در خانواده ای یهودی در شهر لیپچ اوکراین چشم به جهان گشود و از دانشگاه کیف در رشته مطالعات ایرانشناسی فارغ التحصیل شد. به سمرقند نقل مکان کرد و این مهاجرت زمینه آشنائی وی با ابوالقاسم لاهوتی شاعر انقلابی ایرانی که به اتحاد جماهیر شوروی گریخته بود و آن سال ها علاوه بر تدریس ادبیات فارسی در جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی به عنوان خبرنگار برای پراودا و ایزوستیا دو روزنامه معروف آن زمان کار می کرد را فراهم آورد که به ازدواج آنها در سال ۱۹۲۰ انجامید. چند سال بعد این زوج ادیب و شاعر به مسکو مهاجرت کرده و تا پایان عمر در این شهر به سر بردند که بخش قابل توجهی از آن را در شرایط سخت و پر مشقتی گذراندند.

او به همراه همسرش ابوالقاسم لاهوتی از اولین اعضای اتحادیه نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی بودند که در سال ۱۹۳۴ توسط ماکسیم گورکی تاسیس شد.

بانو لاهوتی در مصاحبه‌ای که با روزنامه تاجیکی «ادبیات و هنر» انجام داده است، ضمن شرح حکایت زندگی آن سال های شان، از ترجمه بخش هائی از شاهنامه به زبان روسی می گوید که به تناوب در روزنامه پروانا به چاپ می رسد تا این که در اولین نشست اتحادیه نویسندگان اتحاد جماهیر شوروی در همان سال، ماکسیم گورکی به او توصیه می کند تا با اقتنام از همدمی با همسر ایرانی شاعرش به ترجمه شاهنامه فردوسی دست یازد و به این ترتیب، نویسنده بزرگ روس و خالق «مادر» بانی ترجمه کامل شاهکار شعر حماسی فارسی به روسی می شود. پروژه ای عظیم در شش جلد که با مبنا قرار دادن شاهنامه به تصحیح سعید نفیسی از سال ۱۹۳۶ آغاز شد و با همکاری تنگاتنگ این زوج ادیب پی گرفته شد. ابوالقاسم لاهوتی به تصحیح و ویرایش حاصل ذوق و هنر همسرش می پرداخت و متناقانه آرزو مند انتشار اولین جلد ترجمه آن بود که شوربختانه اجل مهلت دیدن نسخه چاپ شده آن را به وی نداد و کتاب درست در روزی از چاپخانه در آمد (۱۶ مارس ۱۹۵۷) که لاهوتی دار دنیا را وداع گفته و روی در نقاب خاک کشیده بود.

داستان انتشار این ترجمه تیز حود حکایتی تلخ و غم بار داشت. استیتو شرقشناسی مسکو به عنوان مهم ترین تهاد آکادمیک اتحاد جماهیر شوروی در حوزه مطالعات ایرانشناسی و زبان و ادبیات ایران از مخالفان انتشار ترجمه متظوم شاهنامه به زبان روسی بود و چنین عنوان می شد که برخی از اعضای آن ترجمه متنو شاهنامه را ترجیح می دهند[۲]. تنش بین ابوالقاسم لاهوتی و بابا جان تقسور اف[۳] رئیس وقت انستیتو شرقشناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در مسکو تیز مزید بر علت شده و به این موضوع ابعادی سیاسی بخشیده بود به تحوی که اولین جلد ترجمه روسی شاهنامه فردوسی فقط آنگاه فرصت چاپ و انتشار یافت که جواهر لعل نهرو در سفر خود به شوروی در سال ۱۹۵۵ از عدم ترجمه این شاهکار ادبیات حماسی جهان به روسی ابراز شگفتی نمود و حاکمان وقت شوروی را به چاپ و انتشار جلد اول ترجمه روسی آن ترقیب نمود امری که دو سال بعد بعتی در سال ۱۹۵۷ محقق شد.

بانو لاهوتی در مصاحبه اش می گوید از تاکامی شوهر ادیب اش در دیدن جلد اول ترجمه شاهنامه چنان متاثر می شود که عزم خود را جزم می کند تا با تلاشی افزون به ترجمه ادامه آن همت گماره و با پشتکار و تلاشی مثال زنتی موفق به ترجمه کامل شاهنامه در شش جلد می شود ولی با وجود در گذشت ابوالقاسم لاهوتی، همچنان سنگ اندازی ها و مخالفت ها ادامه دارد به تحوی که جلد دوم شاهنامه سرانجام بعد از یا درمیانی تیتا خروشچیا همسر تیکیتا خوزشچف در سال ۱۹۶۰ امکان چاپ و انتشار می یابد.

حاصل عرق ریزان روح بانو لاهوتی در طی بیتش از پنجاه سال کار مدام، در سال ۱۹۸۹ با چاپ و انتشار ششمین و آخرین جلد ترجمه روسی شاهنامه به پار می تتنیدد و خوشتنه ادب دوست روس زبان این بخت را می یابد که متن کامل یکی از شاهکارهای جاودانه ادب فارسی را در اختیار داشته باشد. ترجمه ای که به گواهی اهل فن به سبب طبع روان شعری بانو لاهوتی و درک درست او از ابیات شاهنامه که مبتنی بر دانش عمیق زبان فارسی وی و تیز همراهی و همدمی ادیبی چون ابوالقاسم لاهوتی با او بوده است، از تظر مطابقت سبکی، معنائی و روانی با اصل اثر، از جمله شاهکارهای ترجمه آثار ادبی فارسی به روسی به شمار می رود و تام او را در عداد ماندگارترین خادمان ادب فارسی در جهان روس زبان قرار می دهد.

به عنوان نمونه، فرازهای ذیل از داستان رزم رستم و سهراب و ترجمه روسی آن توسط بانو لاهوتی، به عینی روانی ترجمه زیبایی، حفظ سبک و انتقال معنا به همراه وفاداری به متن آن را نشان می دهد.

کنون رزم سهراب و رستم شنو
دگرها شنودستی این هم شنو
یکی داستان است بر آب چشم
دل تازک از رستم آید به خشم
اگر تندباری برآید ز کنج
به خاک افکند تا رسیده ترنج
ستمکاره خواتیمتن از دادگر
هنرمند دانیمتن از بی هنر

انگار تقدیر چنین رقم خورده بود که فرار ابوالقاسم لاهوتی از میهتی که تا پایان عمر دل در گروه فرهنگ و ادبیات اش داشت، به ترجمه کامل شاهکار بزرگ ابوالقاسم فردوسی به زبان روسی بیجعلد. هر دو ابوالقاسم در مسیر صعب پیتاروی خود، یکی در سروتن شاهنامه و دیگری در فرآیند ترجمه آن، بی مهری های بسیار دیدند ولی حاصل حیات هر دو، افزودن گوهری بی بدیل بر گنجینه ادب جهانی بود. یکی با خلق شاهکاری درخشان را در آیه نهم روسی همراهی و متارکت در برگرفتی بی تظیر از آن به زبان روسی.

سیدحسین طباطبائی

بالاغیرتاً، ۵ دقیقه!*

* یکبار زمان بگیرید و امتحان کنید. واقعاً میشود مدتِ دوش‌گرفتن روزانه را به ۵ دقیقه کاهش داد. و با این کار، ماهانه ۴ هزار لیتر در مصرف آب صرفه‌جویی کرد.

امروز با حافظ

لبش می‌بوسم و در می کشم می
به آب زندگانی بردهام پی
نه رازش می‌توانم گفت با کس
نه کس را می‌توانم دید با وی

خوش

آفتابی
لب در گاه شماست که اگر
درنگشایید
به رفتار شما
می‌تابد

سهراب سپهری

اذان ظهر

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۹	۰۵:۵۹	۱۳:۰۲	۲۰:۰۷	۲۰:۲۶

برگه

جامعه فرزانگی و سعادت می یابد که خو اندن، کار روزانه اش می باشد.

سقراط

یادداشت

اخلاق مطلق یا نسبی؟

شهر کتاب: محسن آزموده- در جامعه ما به واسطه کثرت گفتارهای نصیحت‌گونه و پندآمیز که معمولاً بدون پشتوانه‌اند و تنها در حد حرف و حدیث باقی می‌مانند، سخن گفتن از اخلاق کار سختی شده است. تا کسی می‌خواهد دم از «اخلاق» بزند، او را متهم می‌کنند به اینکه قصد دارد به انبوه بی‌فایده گفتارها و نوشتارهای کثیر و بدون ضمانت اجرایی بیفزاید و رفیع و سخنانی بی‌مایه و بیرنگ و بو عرضه کند که نه فقط به هیچ کس بر نمی‌خورد، بلکه هیچ فایده‌ای نیز ندارد و فقط لقلقه زبان است. بر کسی هم نمی‌توان خرده گرفت که چنین برداشت کند. آن‌قدر بی‌اخلاقی و رفتارهای نایسند و رذیلانه به ویژه از به اصطلاح معلمان اخلاق و واعظان پندگو دیده شده که هیچ کس، اگر هم بخواهد، نمی‌تواند به این سخنان وقعی بگذارد. بزرگترین قربانی این تناقض و ناسازگاری میان عمل و نظر هم خود اخلاق است.

مراد از اخلاق در این گفتار آن الزام درونی به رعایت حقوق و وظایف خود و دیگران است. اجباری که ما از منبعی بیرونی مثل قانون و آداب و رسوم و عرف و علاقه‌ها و مصلحت‌سنجی و... ناشی شده باشد. در اخلاق به این معنا مجری و ناظر و قاضی فعل و گفتار، خود فرد و در واقع عقل و خرد اوست و دیگران هم تنها با معیارهای یکی عقلی حق دارند (اگر داشته باشند) در این باره که فعلی خاص به لحاظ اخلاقی درست یا غلط است، سخن بگویند. با در نظر داشتن این تعریف روشن می‌شود که اصل و اساس اخلاق از امری وابسته به زمان و مکان خاص و به تعبیری دیگر از شکل نسبی فراتر می‌رود و به امری مطلق بدل می‌شود؛ به عبارت روشن‌تر، ربطی ندارد که من در چه تاریخی از کجای این جهان زندگی بکنم و در چه شرایطی، تا به لحاظ اخلاقی ملزم به رعایت حقوق و وظایف خودم و دیگران باشم.

به لحاظ اخلاقی من به عنوان کنشگر اخلاقی در دوران پیشامدرن همان‌قدر موظفم که به حقوق دیگران احترام بگذارم که الان. همچنین این تعریف منشأ و خاستگاه (origin) اخلاق را نه مصلحت‌اندیشی‌های زندگی روزمره یا دستورهای آیین‌های مختلف که قانون اخلاقی درونی هر فرد خردمندی معرفی می‌کند. هر انسان مختاری که می‌تواند بیندیشد و براساس عقل و خرد خود حکم و عمل کند، می‌تواند دریابد که اخلاقی زیستن و رفتار کردن به چه معناست. اگر چه اکناکش هست که انسان‌ها در تعیین مصداق اخلاقی بودن و درست و غلط آن دچار خطا شوند. البته آنچه درباره مطلق بودن اخلاق آمد نافی دو نکته مهم نیست. نخست اینکه مصادیق اخلاق به معنایی که آمد، در طول تاریخ تغییر می‌کنند. دانش و آگاهی بشر دگرگون می‌شود و بر دانایی او افزوده می‌شود. برای مثال در دوره‌های باستان برخی از بزرگترین متفکران و دانشمندان، تصور می‌کردند که برخی نژادها بیستتر و حتی غیر انسان هستند و بر این اساس آنها را مشمول حکم اخلاقی نمی‌دانستند.

این به معنای فقدان وجدان اخلاقی در آنها یا نارس بودن ذهن آنها نیست. امروزه نیز یکی از اصلی‌ترین استدلال‌های اخلاقی- عقلانی گیاهخواران برای گوشت نخوردن، وارد کردن درد و رنج ناضرور به حیواناتی است که سیستم مرکزی عصبی دارند و همچون انسان درد و رنج را می‌فهمند. هیچ بعید نیست که در سال‌های آتی دریابیم که گیاهان نیز به شیوه‌ای دیگر درد را در می‌یابند و آنجاست که گیاهخواران باید شیوه استدلال خود را تغییر دهند و قواعد اخلاقی خورد و خوراک جدیدی وضع کنند. نکته دوم درباره منشأ اخلاق است.

ما در این نوشتار تاکید کردیم که منشأ اخلاق یعنی منبع هنجارگذار در گزاره‌ها و احکام اخلاقی، در درون انسان و عقل و خرد اوست و قائل شدن به هر گونه خاستگاهی جز آن با اصل اخلاق به معنای الزام عقلی و درونی منافات دارد. اما این سخن با فراگیر شدن اخلاق در جامعه و در میان جوامع انسانی بر اساس مصلحت‌سنجی ناسازگاری ندارد. هیچ بعید نیست که انسان‌شناسان تاریخی بتوانند به ما نشان دهند که رعایت اخلاق در میان انسان‌ها، مثلاً براساس اصول داروینیستی صورت گرفته است؛ یعنی انسان‌ها در طول زمان آگاهانه و ارادی یا بر اساس تجربه یا کاملاً غیرارادی دریافته‌اند که برای بقا نیازمند اصول اخلاقی و رعایت آنها هستند یا بطور ناخودآگاه بر مبنای این اصول عمل می‌کنند.

چنین نیست که همگان براساس تأمل استدلالی به حقانیت اصول اخلاقی و ضرورت رعایت حقوق و وظایف خود و دیگران پی برده باشند. از قضا چنان که در آغاز سخن نیز اشاره شده، ای بسا کسانی که دم از اخلاق می‌زنند و درباره آن قلمفرسایی می‌کنند اما در عمل و زندگی روزمره به هزار و یک علت و دلیل از جمله رفاه‌ها و امیال و خواسته‌های دیگر، غیراخلاقی عمل می‌کنند! از سوی دیگر فراوان بوده‌اند و هستند و خواهند بود، انسان‌های دانشگاه نرفته و کم‌دانشی که شاید با بحث‌های پیچیده فلسفی و عقلانی درباره اخلاق آشنایی نداشته باشند، اما بنا به وجدان در سخت‌ترین لحظه‌های حیات اخلاقی عمل می‌کنند.